

نقدی بر کتاب لشکرکشی اسکندر

• حسین کیان‌راد

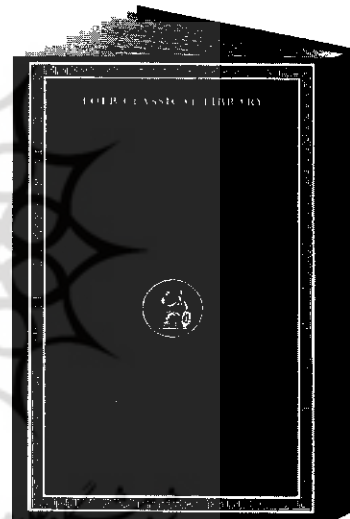
مانده، سخت‌تر گردد.

دوره افول امپراتوری هخامنشی و قدرت‌گیری اسکندر مقدونی فصل تازه‌ای در تاریخ باستان است که از هم پاشیدن جهان دوقطبی آن روزگار را، هر چند برای زمانی اندک، در پی داشت.

درباره زندگی اسکندر و کارهای او از قدیم‌ترین زمان تاکنون کتاب‌های فراوانی نوشته شده است.

برخی او را «گجسنگ» نامیده‌اند، جوان مغرور و جاه‌طلبی که به ایرانشهر تازید و آیین نیاکان این سرزمین را تباه کرد؛ گروهی نیز او را کبیر دانسته‌اند، کسی که قصد داشت تمدن واحد هلنیستی را برای شسرق و غرب پی‌ریزی کند. این دیدگاه‌های افراط‌گرایانه که تا به امروز نیز ادامه یافته، تا بدانجا پیش رفته که از یک سو اسکندر را شخصیتی افسانه‌ای می‌دانند که هیچگاه قدم به درون خاک ایران نگذاشته و از دیگر سو او را همان ذوالقرنین می‌پندارند. در کنار این دو دیدگاه که برگرفته از دو دسته از منابع است، کتاب‌هایی نیز هستند که با دید علمی، تحلیلی و توسط متخصصان این رشته نگارش یافته‌اند. بدون تردید هر پژوهشگری که قصد دارد تاریخ عصر اسکندر را مورد بررسی قرار دهد، نخست به سراغ منابع مکتوب و یا متون دست‌اولی می‌رود که با فاصله کمتری نسبت به زمان وقوع رخدادها تألیف شده‌اند. بیشتر مورخان کلاسیک یونانی و رومی که در زمینه تاریخ اسکندر کتاب نوشته‌اند از منابع دست‌اولی چون گزارش‌های وقایع‌نگاران همراه اسکندر بهره برده‌اند.

آگاهی‌هایی که این مورخان منتقل می‌کنند حاوی همان گزاره‌های ارزشی است که نزد مورخان یونانی قرن چهارم ق.م مشاهده می‌کنیم. با آنکه بیشتر این گزارش‌ها به نقل از مورخانی نظامی است که از فاتح مقدونی پیروی می‌کنند و نمی‌توانند خود را از تأثیرات این موضوع برهانند اما از یک جهت نیز گزارش‌های آنها جزو مهم‌ترین منابع برای مطالعه عصر هخامنشیان محسوب می‌شوند. در واقع بررسی تاریخ هخامنشی بدون مطالعه این منابع دچار نقصان خواهد شد. دنیای هخامنشی پس از داریوش تا پیش از این - به جز



■ لشکرکشی اسکندر (۲ ج)

■ نگارش: آریان

■ ترجمه از یونانی به انگلیسی: پ. ا. برنت

■ ناشر: دانشگاه هاروارد، دسامبر ۱۹۷۶

■ Anabasis of Alexander (in two volumes)

■ Arrian

■ P.A. Brunt

■ Harvard univ pr; (December 1976) ISBN : 0674992601

تاریخ ایران در دوره باستان به دلیل کمبود منابع دست‌اول سرشار از نقاط تاریک و ابهام‌آمیزی است که حالت‌های بزرگ‌نمایانه آن در برخی جاها با افسانه درآمیخته است. این باعث می‌شود تا کار پژوهشگر در نقد و بررسی آنچه که بر جای

بیشتر مورخان کلاسیک یونانی و رومی که در زمینه تاریخ اسکندر کتاب نوشته‌اند از منابع دست اولی چون گزارش‌های وقایع‌نگاران همراه اسکندر بهره‌برده‌اند

از تاریخ عصر اسکندر هیچ‌گونه منبع مستقل و بی‌واسطه‌ای که نویسنده خود شاهد عینی وقایع بوده باشد وجود ندارد. اما در میان متونی که بعدها نوشته شده‌اند و جزء منابع اصلی این دوره محسوب می‌شوند، کتاب *Anabasis of Alexander* اثر آریان، جایگاه برجسته‌ای دارد

برای لشکرکشی و عملیات جنگی به کار می‌رود. در واقع نوعی لشکرکشی مقدس را می‌توان از آن استنباط کرد. عبارتی شبیه واژه «غزوه» در تاریخ اسلام.

یونانیان فلات ایران را «سزمین بلند» می‌نامیدند و در هنگام لشکرکشی‌ها چنان می‌نمود که جنگاوران یونانی به طرف ایران بالا می‌روند.

به غیر از کتاب آریان، آناباسیس‌های دیگری نیز وجود دارد که از میان آنها آثار سوفنت و گزنفون^۵ مشهورترند.

گرچه آریان، آناباسیس اسکندر را چهارصدسال پس از لشکرکشی اسکندر نوشته است، اما بهره‌گیری او از روایات وقایع‌نگاران همراه اسکندر بر اهمیت کتابش افزوده است. با بررسی نوشته‌های آریان می‌توان نسبت به حیات اداری و اقتصادی امپراتوری، وضعیت نظامی، ویژگی ساتراپ‌نشین‌ها، مناصب موجود، انواع مالیات‌ها و بسیاری دیگر از موارد و مسائل تاریخ هخامنشیان آگاهی یافت.

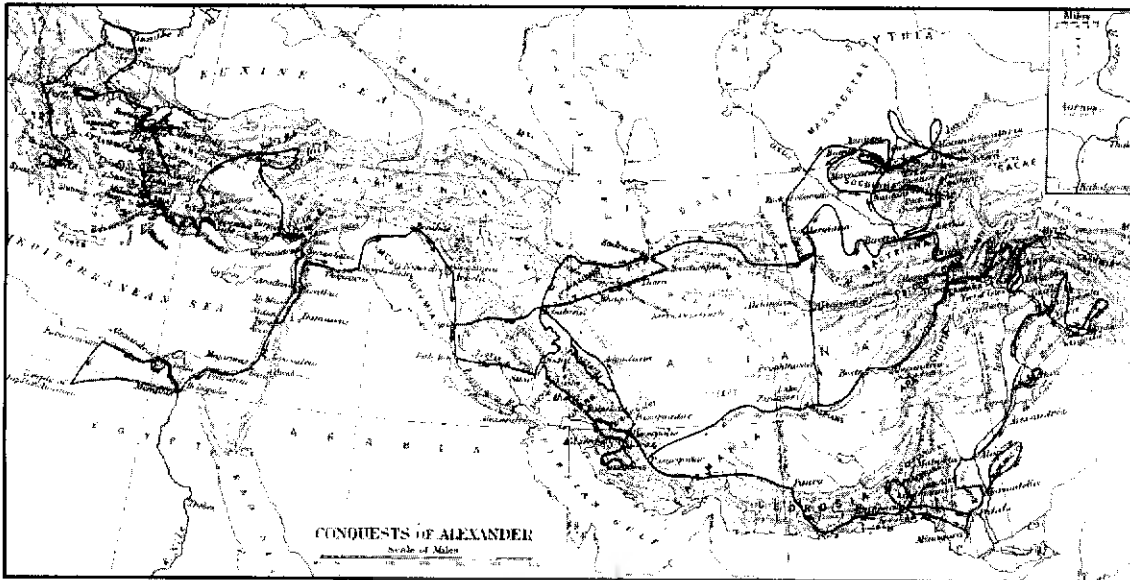
فلایوس آریانوس (flavius Arrianus) در حدود سال ۹۶ م. در نیکو مدیا (ایسمید امروزی) واقع در آسیای صغیر به دنیا آمد. او که در دوره حکومت سه امپراتور روم (آدریان، آنتونینوس پیوس، مارکوس اورلیوس) می‌زیست، به دلیل داشتن تخصص نظامی از طرف آدریان به عنوان حکمران کاپادوکیه برگزیده می‌شود (۱۳۱ تا ۱۳۷ م). پس از کناره‌گیری از منصب دولتی به آرخون در آتن می‌رود و بعد از آنجا نیز به زادگاهش برمی‌گردد و احتمالاً در حدود ۱۸۰ م. در همانجا می‌میرد. آریان شاگرد فیلسوف یونانی، اپیکتت (Epictete) بوده است که از پیروان فلسفه رواقی محسوب می‌شود.

آریان به جز آناباسیس اسکندر و کتاب ایندیکا (INDICA) که ضمیمه این کتاب است، آثار دیگری در زمینه‌های تاریخ، جغرافیا و فلسفه داشته که امروزه بسیاری از آنها از بین رفته است. برای نمونه وی سخنرانی‌ها و جزوه‌های درسی استادش را در هشت کتاب تهیه کرده بود که در حال حاضر تنها چهار جلد آنها به جا مانده است. همچنین است کتابی با نام پریپ لوس (دریانوردی دور دریای سیاه) که در زمینه جغرافیاست.

از طریق نوشته‌های گزنفون (Xenophon) در کتاب آناباسیس که آن نیز بیشتر قسمت‌های غربی امپراتوری را دربر می‌گرفت - سرزمینی ناشناخته برای دیگر ملل و به ویژه یونانی‌ها بود. با استفاده از نوشته‌های این مورخان است که فلات ایران و دیگر سرزمین‌های قلمرو پارس‌ها بیشتر شناسانده می‌شود. اما گویی این آشنایی دیر صورت گرفته است، زیرا دوره‌ای است که دیگر حکومت مرکزی و اقتدار گذشته وجود ندارد و امپراتوری شاهد عفونت زخم‌هایی است که از سالیان پیش بدون درمان‌ها شده بودند. از طرفی قلم به دستان سپاه اسکندر نیز تصویری جز ضعف و سستی در گوشه و کنار شاهنشاهی به نمایش نمی‌گذارند و این باعث می‌شود تا نگاه آیندگان نسبت به امپراتوری هخامنشی تا حدودی تغییر یابد.

مشهورترین آثار از میان منابع مربوط به عصر اسکندر عبارتند از: تاریخ اسکندر^۱ اثر کونینت - کورتس - روف (Quints Curtius Rufus)؛ عصر اسکندر^۲ تألیف پلوتارک (Plutarchus) همچنین مجموعه کتاب‌های دیودور سیسیلی^۳ (Diodorus Siculus) که ۲۱ جلد آن به دست ما رسیده است. از دیگر کسانی که درباره اسکندر و لشکرکشی او کتاب نوشته‌اند، فیلسوف یونانی، کالیس تنس (Kallisthenes) است (ح ۳۲۸ - ۳۶۰ ق. م). او خود همراه سپاه اسکندر بوده اما به دلیل انتقاداتی که از اسکندر می‌کند مورد خشم پادشاه جوان قرار می‌گیرد و به اتهام واهی شرکت در یک توطئه، زندانی و بعد نیز کشته می‌شود. امروزه از تاریخی که کالیس تنس نوشته، اثری نیست. نه تنها کتاب او بلکه نوشته‌های هیچیک از وقایع‌نگاران لشکر اسکندر مستقیماً به عصر ما انتقال نیافته است و در حقیقت از تاریخ اسکندر هیچ‌گونه منبع مستقل و بی‌واسطه‌ای که نویسنده خود شاهد عینی وقایع بوده باشد وجود ندارد. اما در میان متونی که بعدها نوشته شده‌اند و جزء منابع اصلی این دوره محسوب می‌شوند کتاب (Anabasis of Alexander) اثر آریان^۴ (Arrian) جایگاه برجسته‌ای دارد.

آناباسیس یا به تلفظ صحیح‌تر آناباسیس واژه‌ای یونانی است که بالا رفتن و یا پیش روی [لشکر] را معنی می‌دهد. بیشتر



گرچه آریان، اناباسیس اسکندر را چهار صدسال پس از لشکرکشی اسکندر نوشته است، اما بهره‌گیری او از روایات وقایع‌نگاران همراه اسکندر بر اهمیت کتابش افزوده است

گذشته، سفرنامه نثارخوس، رودخانه‌های بین‌النهرین، نامه‌ها و سخنرانی‌های آریان، تاریخ و شخصیت و کارهای آریان. آریان در ابتدای کتاب خود وقتی از منابع مورد استفاده‌اش سخن می‌گوید، بر دو نفر تأکید بیشتری دارد؛ یکی آریستوبول (Aristobul) و دیگری بطلمیوس (Ptolimy) که هر دو جزو همراهان اسکندر بوده‌اند. آریان، بطلمیوس را که از محافظان شاهی محسوب می‌شده، به عنوان اصلی‌ترین مرجعش مورد ملاحظه قرار می‌دهد.

وی با لحنی توجیه‌کننده به حمایت از این دو می‌پردازد و چنین اظهار می‌کند که «بطلمیوس خود بعدها به مقام شاهی رسید و به عنوان یک پادشاه محتمل نمی‌رسد که او دست به تحریف وقایع زده باشد و از طرفی آن دو در دوران پس از مرگ اسکندر شروع به نوشتن کرده‌اند یعنی زمانی که نه فشاری بر آنها بوده و نه می‌توانسته‌اند از طریق چاپلوسی و تملق پادشاه، منفعتی به دست آورند.»

از دیگر منابعی که آریان از آن نام می‌برد، نوشته‌های کالیس تنس است. آریان با اینکه در برخی مسائل با وی موافق است اما برخلاف دو نفر پیشین، در بسیاری از جاها به انتقاد شدید از کالیس تنس می‌پردازد: «من فکر می‌کنم این سخن کاملاً بی‌جا باشد که اسکندر و همه دستاوردهایش را وابسته به کالیس تنس و تاریخش بدانیم، او خودش در همراهی اسکندر به امید هیچ ستایش و تمجیدی نبود بلکه تنها می‌خواست اسکندر

کتاب لشکرکشی اسکندر شامل دو جلد است که توسط بنگاه LOEB و به زبان انگلیسی انتشار یافته است. جلد اول، کتابهای اول تا چهارم آریان را دربر می‌گیرد و جلد دوم کتابهای پنجم تا هفتم را شامل می‌شود. در جلد اول عملیات جنگی اسکندر در ایران تا نزدیکی رود سند دنبال می‌شود و جلد دوم، ایندیکا، به نبردهای او در هند و مسیر بازگشت می‌پردازد. همچنین حاوی سفرنامه نثارخوس (NEARCHUS)، سردار اسکندر، است. چاپ کتاب بدین صورت است که در مقابل متن یونانی، ترجمه انگلیسی آن صفحه به صفحه آورده شده است. ترجمه دیگری نیز از این متن به انگلیسی وجود دارد که در سال ۱۹۵۴ (چاپ سوم) توسط ایلیف رابسون (E.ILIFF ROBSON) صورت گرفته است.

فهرست مطالب جلد اول به ترتیب زیر است:

مقدمه، نبرد گرانیکوس، عملیات دریایی ناول، ایسوس، اسکندر و هروس، ملاقات باسیوا، شورش آگیس، محل تاپساکوس، مسائل جغرافیایی و ترتیب زمانی، گوگمل، پرسپولیس، مرگ فیلوئاس و پارمنیو، ارتش اسکندر، امپراتوری هند و ایرانی، نقشه.

کتابهای پنج و شش و هفت نیز مطالب زیر را دربر دارند: مقدمه، ایندیکا، دیونیسوس، هراکلس و هند، مسائل هند، از پتالا به پورا، مسائل نظامی، اسکندر و سوفیست‌های هندی، آریان و آمازون‌ها، هیأت‌های نمایندگی در بابل، دوره

را در نظر مردم مشهور کند.» آریان همچنین از گزنفون نیز به دلیل آگاهی‌هایی که توسط کتابش به آینده‌گان داده است، سپاسگذاری می‌کند.

با اینکه مورد توجه قرار دادن این روایت‌ها به عنوان «تاریخ رسمی» در بررسی اثر حائز اهمیت است، اما به نظر می‌رسد تقدم را باید به شناخت طبایع حوادث و رویدادهای تاریخی داد. زیرا در صورت عدم امکان وقوع یک حادثه، دیگر بحث درباره درستکاری و نادرستکاری راوی، امری بیهوده خواهد بود. به عنوان مثال آیا عبور سپاهیان اسکندر از منطقه کویری ایران به سمت شرق و بعد بازگشت از همان مسیر در این مدت زمانی کوتاه امکان‌پذیر است؟ و یا اینکه ساختن این همه اسکندریه در این مدت اندک قابل قبول می‌باشد؟ و چه بسیار پرسش‌هایی از این دست که به ذهن هر محقق می‌تواند خطور کند. حال اگر جواب یکی از این سوالات منفی باشد دیگر چه کسی به دنبال تشخیص درستی و نادرستی شخصیت آریستوبول و بطلمیوس می‌رود.

چنین شک و تردیدهایی باعث می‌شود تا با احتیاط بیشتری به سراغ منابع برویم.

روش آریان در نگارش اثرش بدین گونه است که هرگاه از کسی نقل قول می‌کند، نام راوی را نیز می‌آورد. اما در ذکر سال وقوع حوادث کوتاهی می‌کند و تنها به فصل و ماه آن اشاره دارد. از آنجا که مؤلف کتاب، خود فردی نظامی بوده در مورد تاکتیک‌های نظامی اسکندر، قسمت‌های مختلف لشکر، نقاط ضعف و قدرت آنها و آرایش جنگی هر دو طرف توصیف‌های دقیقی ارائه می‌دهد. به‌طور کلی گزارش‌هایی که مورخان درباره نبردهای اسکندر داده‌اند دارای اختلاف‌های فراوانی است. یک نمونه نبرد گرانیوکوس است که نوشته‌های آریان در مقایسه با گزارش‌های دیودور کاملاً متفاوت است.

مؤلف هر جا که از دو یا چند منبع استفاده کرده، نتوانسته ترکیب مناسبی میان آنها ایجاد کند و به هنگام بیان رخداد‌های غیرمعمول، خواننده با نوعی گنگی در متن روبه‌روست. در حقیقت اتفاقات بدون پیش‌بینی به نحو مشکوکی کمتر مورد ملاحظه قرار گرفته است و از آن سو تصویری اغراق‌آمیز از مشکلات اسکندر ارائه شده است. همچنین نوعی تمایل به از قلم انداختن برخی جنبه‌های ناپسند دوره اسکندر احساس می‌شود.

بررسی شرایط اجتماعی که آریان در آن زندگی کرده و کتابش را نگاشته، بسیار پراهمیت است. مؤلف به دلیل ارتباطی که از پیش با موضوع دارد هیچ‌گاه نمی‌تواند خود نقطه شروع باشد. این ارتباط که از طریق تأثیر و پیوند با تاریخ صورت گرفته است در واقع همان سنتی است که در دل آن زندگی می‌کند. او در دنیایی زندگی می‌کرد که هم متأثر از اسکندر بود و هم دربرگیرنده اسکندر و در اینجا زبان می‌تواند یکی از عوامل

ارتباط با گذشته و سنت جامعه‌اش باشد.

آریان در خلال نوشته‌هایش اشاره می‌کند که نوشتن این تاریخ به خاطر کسب نام و شهرت نیست زیرا به گفته او نامش در میان مردم ناشناخته نبوده است: «من شروع به نوشتن کردم چون که این تاریخ کشور، کودکی و خانواده من نیز هست». همچنین اعتقاد دارد که کارش بیشتر در ارتباط با جنگاوران یونان است و هرگز ادعای سخنوری نداشته است. از طرفی هیچ‌گونه ابایی هم ندارد که خود را از سخنوران یونان جدا بداند. از حرف‌های آریان در برخی جاها چنین برداشت می‌شود که وی نوشتن این کتاب را نوعی وظیفه دانسته است. در نتیجه می‌توان گفت به هر حال مطالعه کتاب *لشکرکشی اسکندر* همراه با دیدی انتقادی برای بررسی تاریخ هخامنشی بسیار ضروری است.

پی‌نوشت‌ها:

1 - the history of Alexander, by Quntus Cuintus Curtius Rufus, et al. J.C.Rolfe. 2vols.

(Penguin Classic), USA, November 1984

2 - the Age of Alexander: Nine Greek Lives (penguin classics, L286) by plutarchus, Ian scott -kilvert (Designer) Guyt. Griffith (Designer), Viking press; Reprint edition (August 1995)

3 - Diodorus siculus, Library of History, Books XVI. 66 -XVII

C.Bradford welles (translator), Havard univ pr; (December 1963)

به‌طور کلی آثار دیودور سیسلی شامل چهل کتاب بوده است. این مجموعه به دلیل دربرداشتن تاریخ ملت‌های مختلف به نام «کتابخانه تاریخ» معروف شده است.

۴- به یونانی (ARRHINOS)، به لاتین (FLAVIUS ARRIANUS)

۵- کتاب *گرنفون*، (Anabasis)، که به *لشکرکشی کورس کوچک* بر علیه برادرش اردشیر و بازگشت مزدوران یونانی سپاه کوروش به وطنشان می‌پردازد، در دوره‌های بعد است که بدین نام شناخته می‌شود و به اشتباه نام بخش اول کتاب را به تمامی آن می‌دهند. در واقع بیشتر فصول کتاب به بازگشت سربازان یونانی می‌پردازد که در متن اصلی این بخش‌ها با عنوان‌های Katabasis (سرازیر شدن) و پاراباسیس (Parabasis) مشخص شده است. این کتاب در ایران بیشتر با نام «بازگشت ده هزار نفر» شناخته می‌شود که به نظر می‌رسد عنوان مناسب‌تری باشد.